

مهم‌ترین که همچنان بلندی‌های جولان در اشغال اسرائیل بود که از سال ۱۹۶۷ ادامه داشت. این زخمی باز و عمیق بود و غرور ملی سوریه اجازه نمی‌داد فراموش شود.

حافظ اسد اواسط سال ۲۰۰۰ می‌توانست انتخاب کند؛ سوریه را در صف ایالات متحده قرار دهد یا با ایران (قدرت منطقه‌ای در حال ظهور) متحد شود. این تصمیم مشکلی نبود. ده سال قبل، پدرش حافظ اسد با توافق برای پیوستن به ائتلافی که ایالات متحده علیه دولت عرب دیگری شکل داده بود (جهت اخراج صدام از کویت) جهان را شگفت‌زده کرد. او انتظار داشت در ازای این اقدام، آمریکا نیز کاری کند؛ مزایای اقتصادی، خارج کردن سوریه از لیست دولت‌های درگیر در تروریسم و فشار بر اسرائیل برای عقب‌نشینی کامل از بلندی‌های جولان. او هیچ یک از این‌ها را دریافت نکرد. سه ماه پیش از فوتش، او با بیل کلینتون رئیس‌جمهور آمریکا در ژنو دیدار کرد که در آن کلینتون، پیامی از باراک نخست‌وزیر اسرائیل به اسد داد. حافظ اسد سخنان کلینتون را شنید و اندکی پس از شروع نشست، آن را ترک کرد. از نظر بشار، این نشست مدرک دیگری بر این امر بود که ایالات متحده پیرو اسرائیل است، نه برعکس؛ و او هرگز تمام بلندی‌های جولان یا منافع چشمگیر دیگری از ارتباط با آمریکا به دست نخواهد آورد.

از طرفی ایهود باراک ماه مه ۲۰۰۰ نیروهای اسرائیلی را از لبنان بیرون کشید که این امر از دیدگاه اسد شکستی تحقیرآمیز تلقی می‌شد. از نظر او، این موضوع ثابت شد که استفاده مؤثر از نبرد چریکی



● شبکه وسیعی از چریک‌ها

● رون برگمن ●

می‌تواند حتی قوی‌ترین نیروی نظامی منطقه را تسلیم کند. حافظ اسد پسرش، بشار را ترغیب کرد بلندی‌های اشغال‌شده جولان را پس بگیرد، اما او به بشار توصیه کرد از مواجهه مستقیم با اسرائیل بپرهیزد؛ چرا که در این صورت، سوریه به احتمال زیاد شکست می‌خورد. هرچند ایران نیروهای نیابتی و در رأس آن حزب‌الله را داشت که در حال جنگ نامتقارن با اسرائیل بودند. بنابراین بشار

۱. این پیام پیشنهاد عقب‌نشینی اسرائیل از بخش عمده بلندی‌های جولان _ نه همه آن _ می‌شد که ضمناً مشروط به عدم حضور نظامی ارتش سوریه در منطقه استراتژیک ساحل دریاچه الجلیل بود.

حافظ اسد در ژوئن ۲۰۰۰ فوت کرد. بشار، چهارمین پسرش که چشم پزشکی بود، ماه بعد به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد. اما میراث اسد در آن زمان، موضوعی غامض بود. یک دهه قبل، اتحاد جماهیر شوروی فرو پاشیده، جنگ سرد تمام شده و روسیه در آن زمان به اندازه گذشته در خاورمیانه مؤثر نبود. عرصه جهانی در حال تنظیم مجدد بود و بشار اسد باید جای خود را در آن پیدا می‌کرد. اقتصاد سوریه در بدترین وضعیت خود بود. خزانه دولتی خالی بود و با وجود این که ارتش سوریه یکی از بزرگ‌ترین ارتش‌های منطقه بود، تجهیزات آن تا حدی قدیمی و نیاز فوری به سلاح‌های مدرن داشت. از همه

پیروزی حزب الله بر اسرائیل و دکترین نصرالله، دبیر کل این سازمان که اسرائیل را به «تار عنکبوت» تشبیه کرد _ یعنی از دور قدرتمند اما از نزدیک سست _ بر اسد تأثیر زیادی گذاشت

